

صبی‌ها ، صابئین

درباره صابئین Sabians و چگونگی آئین‌ایشان سخن بسیار رفته و اختلاف نظر زیاد است. هنوز بحث و تحقیق در این باره ادامه دارد. شماره مردمی که در این روزگار باین دین و آئین گرویده‌اند بسیار کم است ولی از آنجا که در قرآن ذکرى از آنها شده نشانه آنست که بهنگام ظهور اسلام مردمی در مکه و عربستان این دین را داشته‌اند و بآن گرویده بودند. ولی اینها چه کسانی بوده‌اند و دینشان چگونه بوده، در میان دانشمندان کهن و محققین معاصر اختلاف نظر عمیق است. حتی نامهای مختلفی بر آنها نهاده‌اند که يك يك را ذیلاً می‌بینیم :

۱- صابئین :

لفظ صابئین در قرآن مجید سه مرتبه آمده است^۱ ولی در منشأ این لغت،

۱- سورة ۲، بقره: آیه ۶۲: «ان الذين آمنوا والذين هادوا والنجاري والصابئين من آمن بالله واليوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون» .

سورة ۵، مائده، آیه ۶۹: «ان الذين آمنوا والذين هادوا والصابئون والنجاري من آمن بالله واليوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون» .

سورة ۲۲، حج، آیه ۱۷: «ان الذين آمنوا والذين هادوا والصابئين والنجاري والمجوس والذين اشركوا ان الله يفصل بينهم يوم القيمة ان الله على كل شيء شهيد» .

علمای لغتِ عربی اختلاف کرده‌اند بعضی از علماء لفظ «صابئه» را اسم فاعل «صبا» بمعنی میل گرفته‌اند و کسی که از کیشی به کیشی دیگر برود صابئی نامیده شود و از اینجا میان ایشان و «احناف» رابطه‌ای یافته‌اند.^۱ بعضی دیگر آنرا از مصدر «سباح» بمعنی شناوری دانسته‌اند و گویند: مردمی از یهود که به یحیی بن زکریا گرویده و تعمید یافته بودند آنها را «سابحین» یا «شناوران» گفته‌اند و بمرور زمان «سابحین» به «صابین» مبدل شده است. دستۀ سوم آنرا از «سبا» مشتق می‌دانند و می‌گویند: این کیش، نخست آئین مردم سبا بوده است.^۲

بهر صورت، بیشتر ریشه «صبا» در عربی بمعنی کوچ کردن، جابجاشدن و بالاخره تغییر مذهب دادن است.^۳

نکتۀ جالب اینجاست که قریش، پیامبر اکرم را نیز «صابی» نامیده‌اند^۴ و صحابه را هم که دین پدران خود را ترک می‌کردند و دین اسلام را می‌پذیرفتند «الصباة»^۵ می‌خواندند و در روایات آمده که چون بنی‌جدیمه^۶ اسلام آوردند

۲- تفسیر ابوالفتوح رازی ج ۱، ص ۱۹۷ و ج ۴، ص ۵۷، تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۵۲ ط بولاق، تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۲۶۸ و ج ۶، ص ۳۱۰، ترجمه ملل و نحل شهرستانی ص ۲۱۰، اعلام قرآن، ص ۲۹۰.

۳- دکتر مانسوخ: مسأله قدیمترین تاریخ مذهب صبی: فرهنگ ایران زمین، دفترهای ۱ و ۲، جلد ۸، ص ۳۴، سال ۱۳۳۹.

۴- تاریخ العرب قبل الاسلام ج ۵، ص ۲۶۸ و ج ۶، ص ۳۱۰ بعد. ابن هشام ج ۱ ص ۲۴۴.

۵- «و یسمون المسلمین الصباة بغير همز، كانه جمع الصابی، غیر مهموز كقاصر و قضاة و غاز و غزاة» النهایه ۲: ۳۶۹ صبا - اهل مدینه صابین می‌خوانند بی همزه (ابوالفتوح



می گفتند: «صَبَانَا، صَبَانَا»^۷.
 عمر چون اسلام آورد او را نیز «صابی» خواندند. ابوذر غفاری وقتی مسلمان شد مردم مکه او را می زدند چون از دین خارج گردیده و فتنه پیا کرده و «صابی» شده است. مطعم بن عدی (از اشراف قریش) که می خواست دختر ابوبکر را برای فرزندش بزنی بگیرد از آن می ترسید که «صباة» در فرزندش تأثیر کنند چه، مشرکان، مسلمانان را «صباة» می خواندند. در جنگ حنین در یدبن الصمة^۸ در ضمن سخن، یکی از بزرگان قوم می گوید: «ثم الق الصباة علی متون الخیل»^۹. - لبید هم که نزد پیامبر رفته بود تا از پیامبری او آگاه شود چون به نزد مرثم خود بازگشت از رستاخیز و بهشت و جهنم برای آنها سخن گفت و شاعری بنام «صرافة» این کیش را «دین الصابین» خواند^{۱۰}.
 از این قبیل موارد که مردم جاهلی، مسلمانان را «صابین» خوانده باشند

- ۶- جدیمة بن عامر از کنانه که خالد بن ولید با آنها در سال هشتم هجرت جنگیده (غزوة الغمیط) سیره ابن هشام ۲: ۴۲۸ ببعده، الروض الانف سهیلی ۲: ۲۸۴ ببعده، قاموس فیروزآبادی ۲: ۳۱۰، تاریخ طبری ۲: ۱۲۳، تحفة ذوی الالباب طبع اروپا ص ۲۴، اغانی اصفهانی چاپ دارالکتب ۷: ۲۸۲، ۲۸۹.
- ۷- بلوغ الادب ۲: ۲۳۵، النهایه ۲: ۳۶۹ «صبا»، تاج العروس ۱۰: ۲۰۷، اللسان ۱۹: ۱۸۲، سیره ابن هشام ۲: ۴۳۱.
- ۸- از بزرگان بنی حشم بود. ابن هشام ۲: ۳۷ ببعده، اغانی (بولاق) ۹: ۱-۲۰، الشعر والشعراء ابن قتیبه: ۴۷۰، الاصحیات رقم ۸، دائرة المعارف اسلام.
- ۹- سیره ابن هشام ج ۲: ۴۳۹.
- ۱۰- صرافة بن عوف بن الاحوص: اغانی اصفهانی، ج ۱۵: ۱۲۱ ببعده «خبر لبید فی مرثیة اخیه».

فراوانست^{۱۱} ولی روشن نیست که مسلمانان چنین نسبتی را قبول کرده باشند و بدین نام سر تسلیم نهاده باشند! از واکنش مسلمانان درست آگاه نیستیم اما میدانیم وقتی عمر اسلام آورد «جمیل بن معمر»^{۱۲} در میان قریش فریاد برآورد که عمر صابی شده، ولی عمر او را تکذیب کرد و گفت مسلمان شده‌ام، و قریش گفتند: «صبا عمر»^{۱۳}. این تکذیب نشان می‌دهد که مسلمانان از اطلاق این کلمه بر خود پرهیز داشتند در صورتیکه خواهیم دید از اطلاق کلمه «حنیف و یا احناف» برخوردار، روی گردان نبودند. بهر صورت این نکته خود جالب توجه و درخور تحقیق بیشتری است.

چنین بود که دانشمندان لغت‌شناس عرب، کلمه «صابی» را از صبا بمعنی تغییر مذهب دادن گرفته‌اند. ولی دانشمندان زبان‌شناس معاصر راه دیگری رفته‌اند.

دکتر رودلف ماتسوخ Dr Rudolf Matcuch که در زبان و آداب ماندائی «صابی» تخصصی دارد می‌گوید: «صابی» نام عربی این گروه است که از آرامی گرفته شده است^{۱۴} «صبغ» بمعنای درآب رفتن است «یعنی تعمید»، زیرا اساس دین ایشان همین عمل تعمید است. هر فردی که مرتکب گناهی گردید

۱۱- رجوع کنید: تاریخ العرب قبل الاسلام ۶: ۲۱۰ ببعدها و ولهاوزن این موارد را

جمع کرده است. Welhausen: Reste... S. 236

۱۲- جمیل، همان کسی است که چون حافظه‌اش قوی و هوشی تند داشت او را دارای «دو دل» می‌دانستند و آیه ۴ سوره احزاب را گفته‌اند که درباره او نازل شد (ابوالفتوح رازی ۸: ۱۲۷، مجمع البیان ۴: ۳۳۴، تبیان الطوسی ۲: ۴۴۰، صافی ۴۲۵، فخر رازی ۶: ۷۷۰، کشف الاسرار ج ۸: ص ۴) و آن آیه اینست: «ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه...»

۱۳- سیره ابن هشام ۱: ۳۴۹، ابن اثیر ۲: ۲۴۰ ببعدها «ذکر اسلام عمر بن الخطاب».

۱۴- فرهنگ ایران زمین دفترهای ۱ و ۲، جلد ۸ ص ۳۴، دیوان دین ۲۱۲ ببعدها.

باید در آب روان تعمید کند تا نشان آن باشد که گناهکار بار دیگر بجانب خداوند بازگشته است و از نو پاک شده است. آب در آئین ماندائی عنصری است مقدس و گرامی و نامش «یاردنا yardenā» یعنی «اردن» است. در این مذهب بهر آب جاری که در آن تعمید انجام میگیرد «اردن» میگویند. پاره‌ای از دانشمندان چون پالیس Pallis و بورکریٹ Burkritt مصطلحات آئین صابی را که با تورات و انجیل مربوط میشود مأخوذ از مسیحیان سریانی نسطوریان می‌دانند.

لیترمن Lietzmann چند نمونه از متون سریانی جمع کرده که در آنها لغت «اردن» بوی ظرف آب تعمیدی استعمال شده است و گمان کرده است که صابئین این لغت را از مسیحیان سریانی گرفته‌اند. ولی دیگران این استدلال را نپذیرفته‌اند و «اردن» را در زبان صابئین لغتی اصلی و اساسی میدانند که زنده‌ترین و مهمترین اصطلاح مذهب آنهاست. تعمید در آب جاری را نیز صابئین «ماسو-تا Maswetta» گویند و این کلمه بالغت «معمودیتا Maämudita» که سریانی است و به تعمید مسیحیان گفته میشود ارتباطی ندارد. بجز کلمه «صابئین» این قوم به نامهای دیگری نیز خوانده شده است که در زیر می‌بینیم:

۴- ماندائی Mandeism

صابئین خود را مندائی مینامند که اسم صفت است و از لغت «مندا» مشتق شده که معنی «علم و عرفان» میدهد. پس ماندائی یعنی عرفانی یا عارف. کلمه «مندا» کلمه‌ای آرامی غربی است که در متن آرامی کتاب دانیال در عهد عتیق چهار مرتبه ذکر شده است. زبان صبی یا ماندائی یک لهجه آرامی بابلی است و این کلمه «مندا» را برای اصطلاح خالص مذهبی «عرفان هستی» که عالیتترین فرشته و منجی این مذهب میباشد حفظ کرده است. کلمه «مندا» از ریشه

Manda d'Hayya گرفته شده و مرادف با « گنوسیس » Gnosis یونانی است .
 مذهب مندائی بدون عرفان هستی نمیتواند وجود داشته باشد چنانکه
 مسیحیت بدون مسیح امکان پذیر نیست. این عرفان یا تصوف اساس دین صابی
 است و با گونه‌های مختلفی که از عرفان و تصوف می‌شناسیم پیوستگی کامل دارد.
 مورخ سریانی تئودور برخونائی Teodor Barchonai که در سال ۷۹۲
 میلادی میزیسته درباره عرفان سه روشی را ذکر میکند که آئین صابی را بوجود
 آورده‌اند .

۳- مغتسله

ماندائیان را عرب، مغتسله مینامید و وجه تسمیه این کلمه آنست که این
 جماعت اکثر اوقات به آداب و رسوم شست و شو می پرداختند. ظاهراً این فرقه
 همان صابین مذکور در قرآن و کتب اسلامی میباشند. ایشان در واقع پیشینیان
 ماندائیه هستند. اما کسانی هم یکی بودن مغتسله و ماندائی‌ها را قبول نکرده‌اند^{۱۵}
 ولی ابن الندیم مغتسله را با « صابة البطایح » صابین ناحیه « میسان » یکی می‌شمارد.

۴- نصرانی

این اسم نیز بر « ماندائیه‌ها » اطلاق شده است ولی خود آنها این کلمه را برای
 روحانیان و مؤمنین حقیقی بکار می‌برند و در کتب دینی ایشان مخصوص به
 رجال دین است که اجرای احکام و اوامر دینی را پیش از دیگران رعایت میکنند .
 پرفسور فقید لیدزبارسکی اشاره کرده است^{۱۶} که این کلمه با « ناصری » که بنا به
 انجیل متی^{۱۷} لقب حضرت عیسی بوده یکی است . انجیل نویس مذکور این

۱۵- پدرس Johs. Pedersen در عجب نامه یعنی مجموعه یادگاری ۶۰ سالگی ادوارد براون.

۱۶- Lidzbarski : Mandäische liturgien Seite XVII, Ginza IX

مقدمه کتاب سرودهای ماندائی ص ۱۷

۱۷- انجیل متی ۲: ۲۲ با ۲۳ .

اسم را از نام شهر «ناصره» که محل سکونت عیسی بوده مشتق میداند و چنین اشتقاقی درست نیست و معنی واقعی این کلمه «محافظ قوانین و دستورات مذهبی» است^{۱۸} - گویا این لغت موجب شده که گروهی ایشان را بعنوان «نصارا» بشناسند و احياناً «نصرانی» را «نصرانی» خوانده باشند.

۵- مسیحی یحیائی

در یانوردان پرتغالی در قرن هفدهم معنی درست نام این فرقه را نفهمیده و موجب شدند که در اروپا آنها را بنام «مسیحیان یحیای تعمید دهنده» بشناسند^{۱۹}. شاید چون یحیی بن زکریا نخستین تعمیددهنده آئین ترسائی است و نیز یکی از اصول مذهب ماندائی تعمید است، چنین تخیلی پیش آمده است. گذشته از آن قصه‌های صبی راجع به یحیی تعمیددهنده بعنوان پیشرو این مذهب در کتابی بنام «دراشی د یحیا Draschi d Jhia» بمعنی «سخنرانیهای یحیی» گردآمده است. ولی این کتاب بطور کلی جدید میباشد و بعد از اسلام گردآمده است. بعلاوه نام یحیی در آرامی «یوحنا» لغتی است معرب، و خود گواه بر نوبودن آن سرودهاست^{۲۰}.

۶- مسیحیان منحرف

مسیحیان منحرف یا ترسایان بت پرست Heidenchristen نیز از نامهایی است که به آنها داده‌اند. گفته‌اند که این قوم عیای مسیح را پیغمبری دروغی می‌دانند و روح القدس را که نزد ایشان مادر شیاطین،

۱۸- دیوان دین ۳۱۵، فرهنگ ایران باستان ج ۸، ص ۲۶.

۱۹- خولسون در کتاب معروف خود «صابین و صبا» جلد اول ص ۱۰۰.

Chwolson: Die Ssabier und der Ssabismus

۲۰- دکتر مانسوخ: فرهنگ ایران زمین ۸: ۲۶، دیوان دین ۳۱۶.

دیوها و «عور» فرمانده ارتش تاریکی است. هم‌چنین مادر مسیح می‌شمارند .
تمام پیامبران ملل سامی مولود روح‌القدسند و با شیاطین از يك مادر^{۲۱} .
روشن است که چنین عقایدی تا چه حد از مبانی و اصول مذهبی مسیحیت بدور
میباشد .

تاریخ آنها

درباره پیدایش و تاریخ این قوم نیز اختلاف بسیار است بهر صورت ظاهراً
قدیم‌تر از مذهب مسیحی در فلسطین بوجود آمده ولی چون کتب آن مذهب
نسبتاً دیر نوشته شده این است که مسأله این مذهب بسیار پیچیده است . دکتر
مانسوخ می‌نویسد: پس از مهاجرت «صابئین» از فلسطین به بین‌النهرین مذاهب
دیگری چون: بابلی، زرتشتی، مسیحی، سریانی و بالاخره اسلام، آنقدر در این
مذهب تأثیر کرده‌اند که شناخت عناصر اصلی از نفوذهای بعدی بسیار مشکل
گشته و حتی بعضی از علماء تصور می‌کردند که این مذهب در خود بین‌النهرین
ایجاد شده و عناصر فلسطینی آن در نتیجه ارتباط با یهودیان بابلی و مسیحیان
سریانی بوجود آمده است. ولی تحقیق و دقت در عناصر اصلی این کیش نشان
می‌دهد که مذهب صبی در فلسطین پیدا شده است . اصطلاحات اساسی این مذهب،
چون: عرفان هستی، نصورائی، اردن که بدون آنها تصور این کیش ممکن نیست
بدلایل زبانشناسی مبین این ادعاست که این فرقه نخست در فلسطین بوجود آمده
است . صابئین، فلسطین را مملکت اصلی خود میدانند و همه اماکن مقدس کتب
مذهبی آنها از قبیل: کارمل، لبنان ، حوران و غیره فلسطینی است نه بابلی^{۲۳}
صبی‌ها، یهود را با کینه و نفرت یاد می‌کنند و چنین کینه‌ای نشانه تحقیر و

۲۱- حکمت: نه گفتار ۲: ۲۷۹-۲۸۲ ، مانسوخ: دیوان دین ۳۱۶ ، ۳۱۷ .

۲۲- فرهنگ ایران زمین: دکتر مانسوخ ج ۸: ص ۲۵ ببعده .

۲۳- گینزا: بمبا ۲۳۱: ۵ و ۴۵: ۴۶، ۴۴: ۱ .

شکنجه‌ای است که از یهود دیده‌اند و مسلماً این حادثه جز در فلسطین نمیتوانسته پیش بیاید. «اورشلیم» جای شکنجه و آزار صبی‌هاست^{۲۴} و ۳۶۵ نفر روحانی آنجا را ترك کرده‌اند^{۲۵}.
 درباره دوره‌ای که صابین از وادی اردن به بین‌النهرین مهاجرت کرده‌اند آقای تقی‌زاده می‌گوید: «مهاجرت اولی آنها را به بین‌النهرین در قرون اولی مسیحی فرض کرده‌ایم ولی بهرحال نه پیش از قرن دوم مسیحی»^{۲۶}. در سال ۱۹۵۳ میلادی خانم انگلیسی لیدی دراور Lady Drower مدرک مهم صبی بعنوان «حران داخلی» در واتیکان بچاپ رسانید (Studie Testi) این مدرک محتوی يك قصه تاریخی صبی راجع بمهاجرت پیروان این مذهب به حران است که در زمان پادشاهی آرتابانوس اتفاق افتاد. دکتر مانسوخ اورا «آرتابانوس سوم» معاصر حضرت مسیح میداند که از سال ۱۲ تا ۳۸ میلادی سلطنت میکرد و صابین احتمالاً در آخرین سالهای حکومت این پادشاه بشهر حران مهاجرت کرده‌اند^{۲۷}.

مانی و صابین :

از نکات دیگری که درخور ذکر است تأثیر زیاد این مذهب در «کیش مانی» است. گفته‌اند: پدر مانی پس از اینکه تحول و انقلابی در روح و قلب خود احساس کرد و هاتفی هم وی راندا داد که از شراب و گوشت و مباشرت زنان پرهیزد، او بجنوب رفته در ناحیه میسان (یا دشت میسان) ساکن شده و

۲۴- گینزا: بمینا ۲۳۲: ۷

۲۵- گینزا بمینا ۳۳۰: ۱، ۱۰، ۱۹: ۶: ۲۳۲ و غیره.

۲۶- مانی و دین او: تقی‌زاده ص ۲۲.

۲۷- دکتر مانسوخ: فرهنگ ایران زمین ج ۸: ص ۲۰، سرمقاله آلمانی که در سال

۱۹۵۷ در شماره ۶ مجله Theol. Litzg. منتشر شده است.

فرقه مذهبی «مغسله» پیوست و مانوی در میان آن قوم بزرگ شد و بطن قوی قسمتی از عقاید او انعکاس شدید از عقاید مذهبی «صبی» است. مخالفت نور و ظلمت، ایمان به نور که مرادف حیات یا هستی میباشد، از بین بردن قدرت ظلمت و پادشاه آن بوسیله منجمی، عقیده به پیامبر نور یا هستی که نزد آدم انسان اول فرستاده شد، سرنوشت روح بعد از مرگ و سفر آن به عالم نور و نیز بسیاری از عقاید و اصطلاحات مذهبی دیگر میان مذهب صبی و مانوی مشترک است و از آنجا که مذهب صبی از مانوی قدیم‌تر است این شباهتها نشانه نفوذ کیش صبی در آئین مانوی شمرده میشود.^{۲۸}

فرقه صابئین تنها فرقه عرفانی قبل از اسلام است که تاکنون باقی مانده و خوشبختانه تمام کتب مذهبی خود را با دقت نگاه داشته‌اند.^{۲۹} بنابراین، این کیش بهترین وسیله برای شناختن «گنوستیسیم» یعنی عرفان قدیم بشمار می‌آید. نکته جالب اینکه عقاید اصلی «صبی» با اساس عرفان مسیحیت که بخصوص در «انجیل یوحنا» ثبت شده کاملاً شبیه و یکسان و بلاشک با هم مربوط است.^{۳۰}

صابئین قرآن :

مسأله صابئین قرآن کمی پیچیده است. این کلمه سه بار در قرآن آمده و

۲۸- دکتر ماسوخ: فرهنگ ایران زمین ۲۳:۸، مانوی و دین او: ۶.

۲۹- از کتاب ماندائیان موسوم به «سدره ربا» *Sidrā Rebbā* یا «گینزا» *Ginza* دو چاپ موجود است، یکی چاپ نوربرگ *Norberg* در سه جلد (۱۶- ۱۸۱۵ م.)، دوم چاپ پترمن *Petermann* در دو جلد (۱۸۶۷ م.)- تاریخ ادبی ایران: براون: ۱: ۴۵۱ خ ۱.

۳۰- دکتر ماسوخ: فرهنگ ایران زمین ۸: ۲۳ و نمونه‌هایی از این تشابه را از ص

۳۱ بعد در همان مأخذ ببینید.

هر سه بار با یهودیان و مسیحیان ذکر شده است.^{۳۱} دانشمندان اسلامی «صابئین» را به دو دسته «حنفاء و مشرکان» تقسیم کرده‌اند. حنفاء اصحاب ابراهیم شمرده میشوند و مشرکان معتقدان به ستارگان.^{۳۲}

ابن الندیم نیز در «فصل اسما، کتب شرایع» از کتب «صابئین ابراهیمی» گفتگو می‌کند.^{۳۳} مفسران نیز در احوال این دسته از مردم دچار اختلاف می‌باشند. بهر حال میتوان گفت که صابئین یا يك اسم کلی برای فرقه‌های عرفانی است و یا اسمی مخصوص مندائیان میباشد. در قرآن کلمه «صابئین» هم‌ردیف صاحبان کتاب آمده و میتوان حدس زد که ایشان نیز مانند یهودیان و مسیحیان، اهل کتاب شمرده می‌شده‌اند. این سخن نیز گذشت که کتابهای صبی چنانکه امروز در دست است بعد از اسلام نوشته شده ولی کتیبه‌های «تنگ سروک» و الواح فلزی مضبوط در موزه بریتانیا نشان میدهد که خط صبی در قرن چهارم میلادی وجود داشته و چه بسا که داستانهای مذهبی صبی پیش از اسلام بصورت کتاب محفوظ بوده است. مندائیهها، نوعی اعتقاد بتوحید داشته‌اند و از اینجا بعضی از علماء عقیده داشته‌اند که منظور از صابئین در زمان پیامبر اسلام مانند اینها بوده‌اند و آقای تقی‌زاده نیز «مفتسله» را همان مندائیههای قدیم و صابئین مذکور در قرآن دانسته‌اند.^{۳۴}

اما آنچه موجب پیچیدگی امر شده وجود صابئین حران است که مشرک و ستاره پرست بوده‌اند.

۳۱- میگویند در سوره بقره و سوره مائده مراد از صابئین، ملتی موحد است و از صابئین مسطور در سوره حج، صابئین مشرک اراده شده است (اعلام قرآن ۲۹۲).

۳۲- التهانوی: کشاف اصطلاحات الفنون چاپ اسلامبول ۱۳۱۷، ج ۱: ص ۸۸۷، بلوغ الارب ۲: ۲۲۳ ببعد.

۳۳- الفهرست «الفرائض» من المقالة الاولى ص ۲۸ چاپ قاهره، Sprenger. leben, I. S. 46.

۳۴- مانی و دین او: تقی‌زاده: ۳۱.

صابئین حران :

ظاهراً باید میان این دو دسته از مردم که بنام صابئین شهره گشته‌اند فرق گذاشت. ماندائیه‌ها را دیدیم که اصلی فلسطینی داشتند ولی با آنچه دربارهٔ بت-پرستان سریانی که در «حران» (تقریباً نیمه‌راه بین حلب و ماردین) شهرتی داشتند گفته‌اند فرق دارد. این دسته از «صابئین» تا نیمهٔ دوم قرن سوم هجری در «حران» مدارس داشتند و کتب خود را بزبان سریانی که وسیلهٔ وصول تمدن یونانی بود مینوشتند. در میان این دسته از مردم دانشمندانی بنام و جلیل یافت شده‌اند که شهرتی یافته و در تمدن عرب اثر بزرگی گذارده‌اند. تا چندی پیش این دودسته از صابئین بکلی با هم تخلیط شده بودند. اولین مرتبه خولسون با استناد به قول ابن‌الندیم میان ایشان فرق میگذارد.^{۳۵}

این اشتباه از اینجا روی داده بود: مأمون در آخرین جنگ با روم شرقی از ولایت «حران» می‌گذشت میان مستقبلین مردمی را با قیافه‌های غریب و موهائی بلند و لباسی تنگ دید. از هویت و کیش ایشان جو یا شد و چون جواب درستی نشنید بآنها مهلت داد که تا بازگشت وی از جنگ، یا اسلام آورند و یا بیکی از مذاهبی که خدای تعالی در کتاب خود فرموده است بگرایند. این تهدید موجب شد که کسانی از ایشان به اسلام بگروند ولی آنگاه که بمذهب خود باقی ماندند سخت نگران و مشوش بودند تا اینکه فقیهی مسلمان حاضر شد در برابر مقادیری بسیار از زر ناب راه حل این مشکل را نشان دهد. او نصیحت کرد که بعد از آن خود را طائفه‌ای از «صابئین» معرفی کنند. زیرا ذکری از صابئین در قرآن

Chwolson : Die Ssabier und der Ssabismus

۳۵- کتاب خولسون

جلد دوم، صفحات ۱۹-۱۴ .

الفهرست ابن‌الندیم (چاپ فلوگل صفحات ۲۱-۲۲۰ و چاپ قاهره بنقل از کتاب

تاریخ العرب دکتر جواد علی)

شده ولی چون اطلاعات مربوط بآنها کم است محتاج تغییر آداب و رسوم نخواهند شد. . . . بقول راوی این خبر از آن تاریخ تا کنون ایشان نام «صابئین» را برای خود حفظ کرده اند.

ابوریحان بیرونی نیز می گوید: گاهی «حرانیان» را که بازماندگان از معتقدان دین قدیم مغرب زمین هستند، که رومیان پس از مسیحیت دست از آن برداشتند، «صابئین» گویند. . . . هر چند که این نام را در دولت عباسی در سال ۲۲۸ بر خود گذاشتند که تا شرایط ذمه درباره ایشان مراعات شود...^{۳۶}

ولی حل مشکل بدین آسانها نیست و چنانکه از نوشته های اپیفانیوس و هیپولیتوس نویسندگان پیش از اسلام بجا مانده میدانیم که نام «صابئین» برای مشرکان بین النهرین و شهر حران قبل از اسلام بکار میرفته است.

در يك مدرک صبی که در پیش هم اشاره شد^{۳۷} شهر «حران» در تاریخ صابئین اهمیت بسیاری میدهد. ماندائیها وقتی از شکنجه یهود گریختند به «حران» پناه بردند و در آنجا عبادتگاه ساختند. بنا بر این میان حرانیها و ماندائیها ارتباطی وجود داشته و نمیتوان این دورا بکلی از هم مجزا شمرد. بقول دکتر مانسوخ راه موقتی که فعلاً بدست می آید این است که فرض کنیم شهر «حران» شهر آزادی کامل مذهبی بوده و صابئین آن شامل فرقه های مختلف مذهبی بوده اند آزادی مذهبی معروف آن سبب شد که ماندائیان بدانجا پناه برده قبول شوند و آزادی مذهبی یابند. روشن کردن جزئیات و حقیقت این امر یکی از وظایف مهم متخصصان تاریخ مذاهب میباشد.^{۳۸}

۳۶- ترجمه آثار الباقیه ۲۷۷ و ۲۷۸.

۳۷- ص ۱۶۲، همین مقاله «حران داخلی».

۳۸- فرهنگ ایران زمین جلد ۸: ص ۳۶، سال ۱۳۳۹ شمسی.

مآخذ و منابع برای مطالعه درباره ماندائیهها

- تقی‌زاده سیدحسن : بیست مقاله ص ۵۰۲ .
- تقی‌زاده سیدحسن : مجله بغما شماره ۳، سال ۱۲ : ص ۹۷-۱۰۵، ۱۳۳۸ شمسی .
- تقی‌زاده سیدحسن : نشریه دانشکده ادبیات تبریز ج ۱۱، ش ۱ : ۱۹-۲۷ .
- تفسیر ابوالفتوح رازی ۱ : ۱۹۷ و ۴ : ۵۷ و ۷ : ۱۲۷ .
- سیره ابن هشام ۲ : ۴۳۱ و ۱ : ۲۴۹ .
- مانسوخ، دکتر رودلف : مسأله قدیمترین تاریخ مذهب صبی : فرهنگ ایران‌زمین، جلد ۸ : ص ۲۳ .
Dr. Rudolf Matcuch
- مانسوخ، دکتر رودلف : صبیون کیستند؟، نورجهان، ج ۱، ش ۱۲ : ۱۳ .
- نوبخت، حبیب‌الله : دیوان دین : ص ۳۰۹ - بعد - چاپ ۱۳۳۴ تهران .
- تقی‌زاده، سیدحسن : مانی و دین او : ص ۶ و ۳۱-۳۳ .
- داناسرشت، صیرفی : مقدمه ترجمه آثارالباقیه : صفحه‌های د، ح .
- بیرونی، ابوریحان : آثارالباقیه : ترجمه فارسی صفحه‌های ۲۲۵، ۲۷۷ .
- خزائی، دکتر محمد : اعلام قرآن : ۳۹۱ بعد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ابوالمعالی، محمدالحسینی الطوسی : بیان الادیان : ۲ .
- شهرستانی، ابوالفتح محمدبن عبدالکریم : المثل والنحل : ۲۱۰ تا ۲۴۸ .
- طبری، محمدبن جریر : تفسیر جامع البیان ۱ : ۲۵۲، بعد، بولاق .
- طبری، محمدبن جریر : تاریخ طبری ۱ : ۱۲۶ «معركة حنین» .
- دکتر جوادعلی : تاریخ العرب قبل الاسلام : ۵ : ۳۶۸ و ۶ : ۳۱۰ .
- حکمت، علی اصغر : نه گفتار ۲ : ۲۷۹ - ۲۸۲ .
- مجله راهنمای کتاب شماره‌های ۸ و ۹ : ص ۷۰۶ و ۱۱ و ۱۲ : ص ۱۰۸۵ - بعد ، سال ۱۳۴۱ .
- طباطبائی، حاج سید محمدحسین : تفسیر المیزان، تفسیر آیه ۶۲، سوره ۲ .

- پدرسن: عجب نامه، مجموعه یادگاری ۶۰ سالگی ادوارد براون، درباره ماندانیها .
- قویم، علی: صابین، دانش ۱: ۴۰۱-۴۰۸ و ۴۶۹-۴۷۵ .
- *Shwolson: Ssabier und Ssabismus*
- خولسون نخستین کسی است که در اثر بزرگ خود (که در دو جلد چاپ سن پترزبورگ سال ۱۸۵۶ م. چاپ شد) بسیاری از اشتباهات را درباره این مذهب رفع کرد *Kunik* کونیک شرح مفیدی درباره این کتاب در *Mélanges Asiatique* جلد اول صفحه ۶۶۲ دارد
- *Dr. A. J. Wilhelm Brandt: Die Mandäische Religion* (1889)
- *Dr. A. J. Wilhelm Brandt: Die Mandäische Schriften* (1893)
- *Nöldeke: Mandäische Gramatik* (1875) .
- *H. Pognon, Consul de France à Alep: Inser. Mand. des Coupes des Khowabir* (1898)
- *Mes. Drower: The Mandaeans of Iraq and Iran.* مندانیهای عراق و ایران
- *Mes. E. S. Drower: The Secret Adam* آدم خفی - چاپ اکسفورد
- *The Foreign Vocabulary of the Quran*
- لغات بیگانه قرآن: ادوارد جفری: کلمه صابون .
- بهترین فهرست راجع بکتاب و مقالات درباره ماندانیان از کرلینگ و پالی است که این آخری تا آنجا که در خاطر دارم قریب ۲۲۰ کتاب و رساله و مقاله در این باب ثبت نموده است (بیست مقاله تقی زاده ص ۵۱۴) .
- براون، ادوارد: تاریخ ادبی، ترجمه دکتر علی پاشا صالح: ص ۴۵۱ .
- یکتائی، مجید: تریانا (تحقیقی درباره صبیها) چاپ تهران ۱۳۴۱ .
- الوسی: بلوغ الارب ۲: ۲۲۳ بیعد .
- التهانوی: کشف اصطلاحات الفنون ۱: ۸۸۷، چاپ اسلامبول ۱۳۱۷ .
- ابن الاثیر: النهایه ۲: ۳۶۹ (یا ۲۹۶) صبا .

- آغانی ۱۵: ۱۳۱ بجمد .
- الفهرست ۳۸، فن ۲ از مقاله ۱ و فن ۱ از مقاله ۹ .
- ولهاوزن: بقایای بت پرستی: ۲۳۶ .
- ابن اثیر ۲: ۳۴ «ذکر اسلام عربین خطاب»
- تاج العروس ۱۰: ۲۰۷ .
- لسان العرب ۱۹: ۱۸۲ .
- راسته نیکلا: طایفه صوبا در ایران، منجمله مردم شناسی ۱: ۲۰ - ۲۵ .
- مشکور، دکتر جواد: مجله معارف اسلامی شماره اول، سال اول .
- صباشین حران بقلم ویکتور الکک: مجله دانشکده ادبیات تهران، شماره مسلسل ۴۴ و ۴۵، تیر و مهر ۱۳۴۳، شماره آخر سال ۱۱ و شماره اول سال ۱۲ .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی ۱۳۸۱